

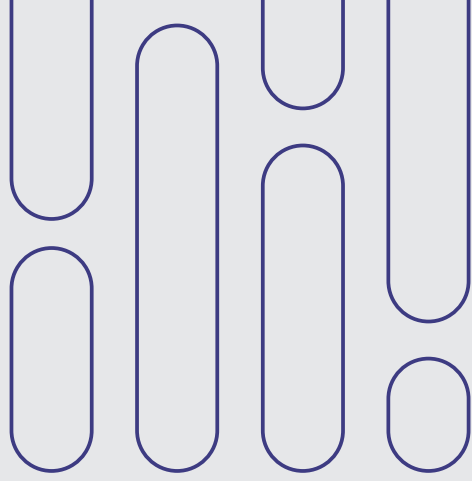
گزارش وضعیت

بحران احزاب شیعی عراق؛ تلاشهای مالکی برای نزدیکی به صدر به کجا منتهی می شود

۰ مه ۲۰۲۴



RASANA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- نخست: چه عوامل و انگیزه هایی مالکی را برای نزدیک شدن به صدر سوق می دهد 3
- دوم: مهمترین فرصتهای نزدیکی میان مالکی و صدر 8
- سوم: مهمترین چالشهای فرا روی نزدیکی میان مالکی و صدر 10
- چهارم: آینده تلاش مالکی و پیامدهای آن بر جامعه شیعی در عراق 12

در پی شعله ور شدن جنگ غزه، شبه نظامیان مسلح مورد حمایت ایران در عراق نیز حملات خود علیه اهداف آمریکایی را شدت بخشیدند و این امر به پیچیدگیهای تحولات داخلی و خارجی عراق دامن زد. در چنین شرایط بغرنج داخلی، محافل شیعی عراق از تلاشهای نوری المالکی نخست وزیر پیشین عراق و رهبر ائتلاف دولت قانون برای نزدیکی با رقیب خود یعنی مقتدی صدر روحانی رهبر جریان صدر با هدف پایان دادن به یکی از مهمترین اختلافات در بیت شیعی - شیعی در عراق خبر می دهند. این دو ائتلاف شیعی بزرگ در چندین مناسبت بر سر رهبری جامعه شیعی، مرجعیت و قدرت و نفوذ در معادله عراق با یکدیگر به هماوردی پرداختند که چندین سال ادامه یافت. این هماوردی، پنج سال پیش و با آغاز اعتراضات «تشرینی» که فضای سیاسی عراق را وارد مرحله تازه ای کرد، رو به وخامت گرایید به گونه ای که در برخی موارد به درگیریهای مسلحانه ای میان دو ائتلاف بزرگ و تأثیرگذار شیعی منجر شد.

مالکی که تحت پرچم «چارچوب هماهنگی» مورد حمایت ایران است، هم اکنون برای نزدیک شدن به صدر دست به تکاپو زده است. این تلاشها در این برهه زمانی اگر به نتیجه ای برسد فضای سیاسی عراق و در نتیجه ساختار قدرت در این کشور را تغییر خواهد داد و موضع طرفهای شیعی رقیب، در مورد مسائل اختلافی محوری نیز شاهد دگرگونیهایی خواهد شد. از این رو، با آغاز این تلاشها، سؤالات متعدد و مهمی مطرح می شود که عبارتند از: با توجه به اینکه مالکی هم اکنون تحت پرچم «چارچوب هماهنگی» قرار دارد، چه عوامل و انگیزه هایی وی را بر آن داشته است که برای نزدیک شدن به صدر دست به تکاپو بزند؟ آیا این مسأله می تواند آغاز یک چند دستگی میان ائتلافهای چارچوب هماهنگی باشد که در نهایت به فروپاشی آن منجر خواهد شد؟ و با توجه به اینکه هماوردی در بیت شیعی - شیعی یکی از مهمترین مشکلات بر سر نفوذ ایران در عراق است، آیا ایران در این تلاشهای مالکی برای نزدیک شدن به صدر نقش دارد؟ با توجه به وجود اختلافات جوهری میان طرفین و با توجه به

تحولات کنونی داخلی و خارجی عراق، تلاشهای مالکی برای نزدیک شدن به صدر به کجا ختم می شود؟

نخست: چه عوامل و انگیزه هایی مالکی را برای نزدیک شدن به صدر سوق می دهد

در آخرین مورد هموردی میان «چارچوب هماهنگی» و جریان صدر بر سر سازوکار تشکیل دولت که صدر بر تشکیل دولت ملی اصرار داشت اما مالکی بر سر تشکیل دولت ائتلافی پافشاری می کرد، چارچوب هماهنگی در طی سال ۲۰۲۲ میلادی توانست دولت ائتلافی به نخست وزیری محمد شیاع السودانی را تشکیل دهد. عمر این دولت از تاریخ تشکیل آن یعنی از اکتبر ۲۰۲۲ میلادی فقط سال در نظر گرفته شده بود و قرار بود که انتخابات پارلمانی زودهنگام برگزار شود. اما این پیروزی، بیش از آنکه طعم یک پیروزی واقعی را داشته باشد، طعم شکست را با خود داشت؛ زیرا این پیروزی ناشی از آن نبود که «چارچوب هماهنگی» اکثریت کرسی های پارلمان را در اختیار بگیرد بلکه در نتیجه انصراف نمایندگان جریان صدر از پارلمان و کناره گیری صدر از زندگی سیاسی صورت گرفت. مالکی و سایر رهبران «چارچوب هماهنگی» به قدرت جریان صدر و برگهای فشار و تأثیرگذاری که در عراق دارد، پی بردند. از این رو، «چارچوب هماهنگی» تلاش کرد یک دولت نسبتاً متوازن تشکیل دهد و همواره بیم آن دارد که هر آئی، هواداران جریان صدر به خیابانها بریزند.

فضای داخلی عراق در سایه سیطره «چارچوب هماهنگی» همانطور که گفتیم معادله متوازی را تجربه می کرد یعنی دولت تا حدودی در سیاستهای داخلی و خارجی خود توازن را رعایت می کرد و همواره بیم آن داشت که صدر با بازگشت به فضای سیاسی معادله کنونی را بر هم بزند اما با آغاز جنگ غزه، شبه نظامیان مورد حمایت ایران در عراق تصمیم گرفتند در اکتبر ۲۰۲۳ میلادی به نفع گروههای مقاومت فلسطینی وارد این ماجرا شوند. این امر تغییر مواضع گروهها را به دنبال داشت و نه تنها نزدیکترین گروههای شبه نظامی مسلح وفادار به مرجعیت قم در زمینه

نظامی با یکدیگر دچار اختلاف شدند بلکه در سطح سیاسی نیز ائتلافهایی که تحت پرچم «چارچوب هماهنگی» با یکدیگر متحد شده بودند نیز دچار اختلافاتی شدند. و بدین سان معادله حاکم بر فضای سیاسی توازن خود را از دست داد. در اینجا به مهمترین انگیزه هایی می پردازیم که مالکی را به نزدیک شدن به صدر سوق داده است:

یک. اختلاف نظر در میان ائتلافهای تشکیل دهنده «چارچوب هماهنگی»

ائتلافها و گروههای تشکیل دهنده «چارچوب هماهنگی» در مورد میزان دخالت نظامی در جنگ غزه، به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول: ائتلافهایی هستند که با هرگونه اقدامی فراتر از قواعد معمول درگیری و گسترش عملیات نظامی علیه اهداف آمریکایی و ادامه این عملیات مخالف هستند که از جمله آنها می توان به ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی، ائتلاف الفتح به رهبری هادی العامری رهبر سازمان بدر، ائتلاف ملی عراق به رهبری حیدر العبادی نخست وزیر سابق عراق و رهبر ائتلاف النصر، و ائتلاف الحکمه به رهبری حکیم نام برد. موضع مخالف اینها با حمله به مواضع آمریکا به معنای حمایت از حضور آمریکا در عراق نیست بلکه آنها به خاطر شرایط کنونی عراق و بحرانهای بغرنجی که با آن دست به گریبان است با این حملات مخالفت می کنند تا مبادا دولت کنونی عراق که از چارچوب هماهنگی تشکیل شده است در برابر اداره آمریکا در تنگنا قرار گیرد به گونه ای که پیامدهای ناخوشایندی برای دولت السودانی به دنبال داشته باشد. و دسته دوم ائتلافها و گروههایی هستند که از هر اقدامی فراتر از قواعد معمول درگیری و گسترش عملیات نظامی علیه اهداف آمریکایی و تداوم این حملات حمایت می کنند که از جمله آنها می توان به جنبش حقوق به رهبری حسین مؤنس، ابو حسین الحمیداوی دبیر کل کتائب حزب الله عراق اکرم الکعبی فرمانده جنبش النجباء اشاره کرد.

پس، مالکی با تحرکاتی که قواعد معمول درگیری با ایالات متحده در عراق زیر پا بگذارد و قاعده توازن حاکم در معادله عراق را بر هم بزند کاملاً

مخالف است؛ چرا که این مسأله پیامدهایی برای دولت عراق که برآمده از «چارچوب هماهنگی» است، به دنبال دارد. دلیل دیگر مخالفت مالکی این است که موضع او با موضع ایران هماهنگ است که از بیم حملات انتقامی آمریکا، با تشدید تنشها فراتر از قواعد معمول درگیری مخالف است. از سویی دیگر، افزایش تنشها ممکن است سبب ناکارآمدی دولت عراق و در نتیجه بازگشت دوباره هواداران صدر به کف خیابان شود. از این رو، ایران توسط اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» از فرماندهان شبه نظامیان عراقی وفادار به ایران خواسته است که حملات خود علیه اهداف آمریکایی را [کاهش دهند](#).

ظاهراً، مالکی دریافته است که علی رغم کناره گیری سرسخت ترین رقیب او از صحنه سیاست، اما باز هم او نتوانست رهبری جامعه شیعه و تأثیرگذاری در عراق را به دست آورد؛ زیرا وجود متحدانی که هیچ کمکی به تقویت نفوذ و قدرت مالکی در معادله عراق نکردند، سبب شد که حتی با کناره گیری صدر هم کفه ترازو به نفع مالکی سنگینی نکند. و اکنون مالکی نگران است که مبادا تقویت روابط فزاینده میان قیس الخزعلی فرمانده شبه نظامیان عصاب اهل الحق و محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق، منتهی به ایجاد یک ائتلاف شیعی قدرتمند شود که نه تنها به او گردن نمی نهد بلکه نفوذ او را در عراق کمرنگ خواهد کرد. از این رو، از نگاه مالکی بهترین گزینه این است که با دعوت صدر به صحنه سیاست و طرح دو گانه قدرتمند «مالکی - صدر» از تولد یک ائتلاف جدید که احتمالاً نگرانیهای بیشتری را به دنبال دارد، جلوگیری به عمل آورد. اکنون مالکی به واقع بینانه بودن دیدگاه ایران پی برده است که انزوای صدر زمینه بروز اختلافات عمیق و در نتیجه شعله ور شدن جنگ خانمانسوز شیعی - شیعی را فراهم می کند.

دو. ارزیابی مالکی از تمایل صدر به از سر گیری زندگی سیاسی

از سویی دیگر، احتمالاً مالکی با دیدن برخی نشانه ها به این نتیجه رسیده است که صدر تمایل دارد بار دیگر زندگی سیاسی را از سر گیرد. از جمله این نشانه ها می توان به [فراخوان عمومی](#) صدر برای تجمع در همبستگی با

ملت فلسطین و در مخالفت با جنگ اسرائیل در غزه اشاره کرد که نشان داد صدر همچنان از برگ فشار کف خیابان برخوردار است و حتی اکنون قدرت بیشتری برای فراخوان و بسیج عمومی دارد. و با یک اشاره می تواند خیل هواداران خود را گرد آورد. از دیگر نشانه های تمایل صدر به زندگی سیاسی این است که او برای دولتهای مصر، اردن، سوریه و لبنان [پیام فرستاد](#) مبنی بر اینکه به پیروان جریان صدر اجازه دهند به سوی مرزهای فلسطین به طور مسالمت آمیز راهپیمایی کنند. او همچنین از ملتهای عرب خواست تا شکسته شدن محاصره غزه، در مرزهای فلسطین تحصن کنند.

همچنین، همزمان با گفتگوهای شیعی - شیعی در مورد اصلاح قانون انتخابات برای فراهم ساختن مقدمات برگزاری انتخابات پارلمانی زود هنگام، صدر برای دیدار خصوصی به منزل مرجعیت شیعی علی سیستانی رفته است، احتمالاً مالکی این دیدار را با آینده روند سیاسی عراق مرتبط دانسته است. و این امر که سیستانی که به بسیاری از رهبران سیاسی از جمله رهبران چارچوب هماهنگی نیز وقت ملاقات نمی دهد، اما صدر را به حضور پذیرفته است، نشان از رابطه تنگاتنگ میان آن دو می دهد. و اینکه صدر از [رهبران جریان صدری](#) خواسته است که برای ارتباط با مردم در مناسبتهای مختلف، به پایگاههای اجتماعی خود بازگردند، به معنای مقدمه چینی برای بازگشت مجدد به صحنه سیاست تعبیر شده است.

سه. رد پای ایران در تلاشهای مالکی برای نزدیک شدن به صدر

برخی ناظران بر این باورند که ایران در این تغییر موضع مالکی که با هدف ترمیم شکاف در بیت شیعی صورت می گیرد نقش دارد؛ زیرا شکاف در بیت شیعی تلاشهای توسعه طلبانه ایران در عراق را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار داده است. و جامعه شیعی که ستون فقرات طرح توسعه طلبانه ایران در عراق به شمار می رود به دلیل اختلاف مالکی و صدر دچار ضعف و سستی شده است و این مسأله چالش بزرگی برای ایران در حفظ دستاوردها و پیشبرد باقیمانده طرحها در عراق به شمار می رود. همچنین ایران با افزایش منافع انحصاری برخی گروههای شبه نظامی

و اقدامات آنها فراتر از قواعد معمول درگیری علیه اهداف آمریکایی مخالف است زیرا واکنش انتقامی آمریکا می تواند معادله کنونی که چارچوب هماهنگی در عراق ایجاد کرده است را بر هم بزند. و حتی ممکن است پای ایران را به یک جنگ رو در رو با آمریکا بکشاند که پیامدهای آن بر آینده ایران و نفوذ منطقه ای آن سایه افکند. از این رو، بر اساس گزارش محافل رسانه ای، یک روز بعد از آنکه واشنگتن، ایران و شبه نظامیان ایران را مسئول مرگ سربازان آمریکایی در پایگاه البرج اعلام کرد، اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» در ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ میلادی به عراق سفر کرد و با فرماندهان گروههای مسلح دیدار و گفتگو نمود تا از نفوذ خود بر آنان برای توقف و یا کاهش حملات به اهداف آمریکایی استفاده کند.

دوم: مهمترین فرصتهای نزدیکی میان مالکی و صدر

مالکی و صدر فرصتهای زیادی برای نزدیکی به یکدیگر دارند. وجود این فرصتها سبب می شود که نزدیکی میان این دو آسانترین راه برای غلبه بر چالشها و خطرات احتمالی است که می تواند به هر دوی آنها آسیب بزند. از مهمترین فرصتها موجود عبارتند از:

یک. رقابت میان مالکی و صدر به مرحله پختگی رسیده است

هر رقابت داخلی و یا خارجی زمانی به مرحله پختگی می رسد که هر کدام از طرفها به قبول یک راه حل نزدیک شوند. در این زمان طرف یا طرفهای درگیر تقریباً به این نتیجه می رسند که دیگر نمی توانند برای کسب دستاوردهای بیشتری به این درگیری ادامه دهند. و همین امر تا حدودی بر مواضع ائتلافهای بزرگ شیعه صدق می کند. زیرا تمامی ائتلافهای شیعی به این نتیجه رسیده اند که هیچکدام برای در انحصار گرفتن رهبری جامعه شیعه به تنهایی تمامی برگهای برنده را در اختیار ندارند و همه داشته ها را به میدان آورده اند و بیش از این برگ تعیین کننده ای نیست. در مورد موضع مالکی و صدر به چند نکته اشاره می کنیم:

درک عاقلانه مالکی نسبت به قدرت صدر در فضای عراق: همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم با اینکه «چارچوب هماهنگی» موفق به تشکیل

دولت شد اما از قدرت صدر و برگ‌های قدرتمندی که او در معادله عراق دارد به خوبی آگاه است که عبارتند از: خیل هواداران، تأثیر سیاسی بزرگ، بازوی مسلح قوی، میراث مردمی و حوزوی بزرگ خانواده صدر و نفوذ معنوی و شخصیت کاریزماتیک که می‌تواند شرایط را برای دولت برآمده از سوی ائتلاف‌های مورد حمایت ایران دشوار سازد. در نتیجه، احتمالاً مالکی و ایران که قدرت صدر را در دوره‌های رقابت با چارچوب هماهنگی در دو سال قبل محک زده‌اند، تقریباً به این نتیجه رسیده‌اند که صدر تنها یک برگ فشار در معادله عراق نیست بلکه قدرتمندترین برگ فشار و چهره در صحنه عراق است.

درک واقع بینانه صدر از قدرت نیابتی‌های مورد حمایت ایران در

عراق: احتمالاً صدر نیز از رقابت با مالکی در سال‌های گذشته که قدرت و نفوذ ائتلاف‌های شیعی را در عراق به نمایش گذاشت، دریافته است که به آسانی نمی‌توان ائتلاف‌ها و نیابتی‌های مورد حمایت ایران را کنار گذاشت. از این رو، صدر به خاطر وجود سلاح کنترل نشده، نتوانست در طول سال‌های گذشته به هدف خود دست یابد. و نتوانست به طور انحصاری رهبری جامعه شیعی را در اختیار بگیرد. و نتوانست برای تقویت روند دولت، یک دولت ملی تشکیل دهد. و رقابت اخیر در جامعه شیعی میان او و مالکی به تشکیل دولت ائتلافی منتهی شد؛ نه دولت ملی. شاید هم صدر به این نتیجه رسیده باشد که در آینده نیز نمی‌تواند به تنهایی رقابت‌ها را به نفع خود پایان دهد. و با توجه به نقش محوری عراق در طرح منطقه‌ای ایران، این باور همچنان وجود دارد که تا فشارهای بسیار سختی به ایران تحمیل نشود، این کشور به آسانی از توسعه طلبی در عراق کوتاه نخواهد آمد.

دو. تمایل تمامی طرف‌های داخلی و خارجی به حفظ اصل توازن

ائتلاف دولت قانون و جریان صدر به عنوان دو رقیب بزرگ شیعی به این درک رسیده‌اند که اکثر نیروهای سیاسی و جریان‌های تأثیرگذار در معادله عراق تقریباً در مورد ضرورت حفظ توازن میان طرفداران روند دولت و بی‌دولتی و حفظ توازن در روابط خارجی عراق میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در فضای عراق به یک اجماع دست یافته‌اند تا در درجه اول با دور

نگهداشتن کشور از تسویه حسابهای طرفهای منطقه ای و بین المللی رقیب، امنیت و ثبات داخلی تأمین گردد و در درجه دوم در حل بحرانهای خدماتی و غیر خدماتی پیچیده و نیز در بازسازی کشور و توسعه استانهای آزاد شده از چنگ داعش، از شرکای منطقه ای و بین المللی نیز مدد گرفته شود. تا بتوانیم یک عراق تازه و با ثباتی بسازیم که بتواند در راستای منافع ملی در امور منطقه ای و بین المللی بازیگری کند.

سوم: مهمترین چالشهای فرا روی نزدیکی میان مالکی و صدر

تلاشها و رویکرد مالکی برای نزدیکی به صدر با چالشهای متعددی روبرو است که ممکن است مانع از همگرایی میان آنها شود:

یک. محوری بودن مسائل اختلافی میان مالکی و صدر

اختلاف کنونی میان مالکی و صدر یک اختلاف محوری است که بر سر موضوعاتی چون رهبری جامعه شیعی، تعیین اینکه کدام مرجعیت برای رهبری جامعه شیعی اولویت دارند نجف یا قم، ماهیت رویکرد کشور و سیاستهای داخلی و خارجی، ساز و کار تشکیل دولت و انتخاب نخست وزیر و در نهایت، دو گانه دولت و بی دولتی جریان دارد. و هر دو طرف دیدگاه متفاوتی در این موارد دارند. صدر به یک طرح سیاسی برای ایجاد یک کشور مستقل و تشکیل دولت ملی تحت پرچم عراق مستقل چنگ زده است که بتواند میان نیروهای داخلی و روابط خارجی خود یک توازن ایجاد کند. اما مالکی همچنان بر طرح سیاسی خود مبنی بر تداوم فرمت توافقی در تشکیل دولت، و سلطه تصمیمات شبه نظامیان مورد حمایت ایران بر کشور پافشاری می ورزد. و تا این تاریخ، مالکی و صدر در مورد مسائل اختلافی از موضع خود عقب نشینی نکرده اند.

همچنین، مالکی و صدر نماینده دو الگوی فکری موازی هستند که تا زمانیکه هر دو و یا یکی از آنها خط فکری دیگری را قبول نکند، شاید این دو خط فکری هیچگاه به هم نرسند. و هر دوی آنها طرحی کاملاً متفاوت از دیگری دارند؛ به ویژه اینکه مالکی طرح شیعی فرامرزی زیر پرچم ولایت

فقیه را دنبال می کند؛ از این رو، می توان گفت که رقابت میان آنها در واقع تداوم رقابت میان نجف و قم است. و همین امر اوضاع را پیچیده تر ساخته است؛ به ویژه اینکه شکاف فکری میان این دو خط بسیار وسیع است.

دو. طولانی شدن رقابت لاینحل

این رقابت لاینحل بیش از یک و نیم دهه است که بدون نتیجه میان مالکی و صدر جریان دارد. صدر هنوز هم سیاستهای مالکی برای حذف و به حاشیه راندن چهره های جریان صدر را در دوره نخست وزیری اش (۲۰۰۶-۲۰۱۴ میلادی) فراموش نکرده است. همچنین فایلهایی که در جولای ۲۰۲۲ میلادی به بیرون درز کرد و در آن مالکی نسبت به صدر توهین روا داشته بود، رابطه میان طرفین را وارد یک مرحله بسیار بحرانی کرد که در پایان آگست ۲۰۲۲ میلادی به درگیری میان هواداران طرفین در منطقه سبز انجامید و ده ها بلکه صدها تن کشته و زخمی بر جای گذاشت.

همچنین صدر فراموش نکرده است که مالکی و ائتلافهای مورد حمایت ایران برای تخریب محبوبیت گسترده صدر به روشهای گوناگون تلاشهای زیادی انجام دادند. گاهی تلاش کردند مرجعیت او را زیر سؤال ببرند. به عنوان نمونه مرجع دینی حائری که صدری ها از او تقلید می کردند بعد از کناره گیری از مرجعیت، تأکید کرد که صدر هنوز به درجه «اجتهاد» نرسیده است و از مقلدین خود خواست که به مرجعیت قم رجوع کنند. و گاهی نیز در پی اهانت و اتهام زنی به پدرش برآمدند. به عنوان مثال در آگست ۲۰۲۳ میلادی هواداران حزب الدعوه که مالکی نیز عضو آن است، با نشر ویدئو کلیپهایی تلاش کردند به اعتبار و آبروی مرجع شیعی مرحوم محمد صادق صدر (پدر مقتدی صدر) لطمه بزنند. و وی را متهم ساختند که با نظام صدام حسین رابطه خوبی داشته است.

در مقابل، مالکی نیز خوب به یاد دارد که صدر چندین بار مانع از آن شده است که مالکی بار دیگر به نخست وزیری برسد که در آخرین مورد، موضعی اتخاذ کرد که مالکی نتواند دولت تشکیل دهد و در نتیجه، محمد شیاع السودانی نخست وزیر کنونی موفق به تشکیل دولت شد. همچنین جریان صدر برای تضعیف ائتلاف دولت قانون و کاهش تأثیرگذاری مالکی در

معادله حکومتداری در عراق، تلاشهای زیادی به خرج داد.

سه. صدر یک دیدگاه روشن درباره آینده حکومت عراق ندارد

از جمله انتقاداتی که به صدر وارد می شود این است که او هیچ دیدگاه روشنی درباره آینده حکومت در عراق ندارد. به همین جهت گاهی در کنش سیاسی نسنجیده عمل می کند و گاهی نیز در رقابت سیاسی با رقبایش که مورد حمایت ایران و طرفدار روند بی دولتی هستند، اشتباهات راهبردی مرتکب می شود. از این رو نتوانسته است ساز و کاری برای تحقق روند دولت و ایجاد یک عراق جدید تعریف کند. لذا، بسیاری از ناظران بر این باورند که صدر چندان در فن نرمش و حيله گری سیاسی تبحر ندارد که برای کسب کارتهای برنده با احتیاط تمام به بحرانهای رقیب دامن بزند و دستاوردهای آنان را کمزنگ سازد. بلکه روش او این است که سیاستها و مواضع خود را به یکباره علیه دوستان و دشمنان خود تغییر می دهد. به عنوان مثال، او در ژوئن ۲۰۲۲ میلادی نمایندگان فراکسیون پارلمانی را به استعفای دسته جمعی فراخواند. این امر میدان را برای رقبایش باز گذاشت. خلاصه اینکه، ناظران اینکه صدر یک دیدگاه واضحی از روند دولت ندارد را با تحقق نزدیکی با مالکی مرتبط می دانند.

چهارم: آینده تلاش مالکی و پیامدهای آن بر جامعه شیعی در عراق

در سایه تلاشهای مالکی برای نزدیکی به صدر، احتمال تحقق چند سناریو مطرح می شود که عبارتند از:

یک. سناریوی استقبال صدر از این تلاشها

یعنی اینکه تلاشهای مالکی برای نزدیکی به صدر به ثمر نشیند و با حل و فصل مسائل اختلافی، صدر بار دیگر به زندگی سیاسی بازگردد. آنچه شانس این سناریو را تقویت می کند فرصتهایی است که برای نزدیکی میان طرفین وجود دارد مانند: ورود رقابت به مرحله پختگی، قناعت هر کدام از طرفین مبنی بر اینکه نمی توان به تنهایی و به طور انحصاری رهبری جامعه شیعی را بر عهده گرفت، درک هر کدام از طرفین نسبت به برگهای فشار و قدرت

طرف مقابل که عبور از آن را مشکل می سازد، و احتمالاً آنچه محافل رسانه ای در مورد نزدیک بودن دیدگاههای صدر و مالکی درباره تعدیل قانون انتخابات عنوان می کنند درست باشد که این امر بازگشت صدر به زندگی سیاسی را تقویت می کند. اکثریت ائتلافهای شیعی، سنی و کرد و حتی دولت عراق به حفظ توازن در داخل و خارج تمایل دارند. این ائتلافها نیز اهمیت حفظ توازن موجود برای برقراری امنیت و ثبات را درک کرده اند و در نتیجه بسیار بعید است که این ائتلافها به یکی از این دو جریان بپیوندند. علاوه بر آن، بازیگران منطقه ای نیز در مورد ضرورت تحقق توازن در معادله عراق اتفاق نظر دارند؛ زیرا یکی از طرفها نمی توانند رهبری جامعه شیعی را بطور انحصاری در اختیار بگیرند.

اگر این سناریو محقق گردد، یک ائتلاف سیاسی قدرتمندی در عراق شکل می گیرد که ساختار قدرت را در عراق تغییر می دهد. و انتظار می رود که برخی از ائتلافهای شیعی، کرد و سنی طرفدار روند دولت مانند ائتلاف پیشرفت به رهبری محمد الحلبوسی، ائتلاف النصر به رهبری العبادی، ائتلاف الحکمه به رهبری عمار الحکیم، حزب کردستان دموکراتیک به ریاست مسعود بارزانی نیز به این ائتلاف احتمالی بپیوندند؛ که در اینصورت «چارچوب هماهنگی» عملاً فرو می پاشد. و احتمالاً اگر سناریوی نزدیکی میان مالکی و صدر تحقق یابد، بقیه ائتلافهای مورد حمایت ایران به عنوان جریانهای اپوزیسیون در مقابل این ائتلاف احتمالی قد علم کنند؛ مخصوصاً اگر میان ائتلافهای «چارچوب هماهنگی» که هر کدام در اندیشه منافع شخصی خود هستند، در مورد میزان نزدیکی به صدر، حمله به اهداف آمریکایی در عراق و نیز در مورد قاعده توازن در معادله عراق، اختلافاتی به وجود آید.

دو. سناریوی تداوم قطع ارتباط

یعنی تلاشهای مالکی برای نزدیک شدن به صدر به شکست انجامد و این درگیری همچنان بدون نتیجه لاینحل بماند. آنچه این سناریو را تقویت می کند، چالشهایی است که فراروی نزدیکی میان طرفین وجود دارد که بر سر مسائل محوری و مخصوصاً رهبری و مرجعیت جامعه شیعی با یکدیگر

رقابت دارند. اختلاف دیدگاهها در مورد روند دولت و بی دولتی، ساز و کار تشکیل دولت، عدم اعلام تمایل صدر به بازگشت به زندگی سیاسی، عدم پاسخگویی به خواسته‌های مالکی، عدم وجود نشانه‌هایی که از نرمش طرفین در مورد برخی مسائل حکایت کند، روشن نبودن دیدگاه صدر در مورد آینده عراق، و درگیری احتمالی میان نیروهای سیاسی در عراق برای پر کردن خلأ ناشی از خروج احتمالی آمریکا همه و همه عواملی هستند که شانس این سناریو را تقویت می‌کند. اگر این سناریو تحقق یابد، «چارچوب هماهنگی» هرچند که ممکن است در درون خود اختلافاتی داشته باشند، همچنان به قوت خود باقی می‌ماند. و در اینصورت اگر صدر بار دیگر به زندگی سیاسی باز گردد، بهترین گزینه چارچوب هماهنگی و ایران این است که با او مقابله نمایند.

سه. سناریوی بازگشت به رابطه‌ای که میان قهر و آشتی در نوسان است

این سناریو که احتمال بیشتری دارد، به معنای بازگشت رابطه مالکی و صدر به مرحله پیش از درز فایلهایی است که در جولای ۲۰۲۲ میلادی از توهین مالکی به صدر حکایت داشت که این هم بر فرض بازگشت صدر به صحنه سیاست است. در مرحله قبل از جولای ۲۰۲۲، طرفین نه کاملاً با یکدیگر قهر بودند و نه کاملاً آشتی. بلکه هر دو برای اینکه مسائل اختلافی را به نفع خود تمام کنند، و بر سر کسب جایگاه تأثیرگذار در معادله عراق و مخصوصاً در جامعه شیعی، با یکدیگر رقابت داشتند. آنچه شانس این سناریو را تقویت می‌کند این است که مالکی نمی‌تواند در مقابل صدر آنگونه که باید، کوتاه بیاید زیرا که اختیار مالکی به دست ایران است. و ایران که دستاوردهایی را در عراق برای خود رقم زده است و برای اجرای باقیمانده طرحهای خود کمر همت بسته است، با روند دولت که مورد حمایت صدر است مخالف است. و اگر صدر در مقابل امتیازات مالکی، دعوت او را قبول کند، دیگر آن تأثیرگذاری گذشته را نخواهد داشت. پیش از این نیز صدر بارها و بارها از مشارکت در روند سیاسی که چهره‌های

قدیمی مانند مالکی در آن حضور داشتند، خودداری کرده است. همچنین قبل از اینکه محمد شیاع السودانی موفق به تشکیل دولت شود، صدر مانع از آن شد که مالکی بار دیگر به نخست وزیری برسد. اگر این سناریو تحقق یابد، دو طرف به رقابت در فضای سیاسی باز می گردند. اما انتظار می رود که «چارچوب هماهنگی» دچار بحرانی شود که ممکن است به فروپاشی آن نیز منجر گردد و این مسأله تأثیرگذاری و نفوذ مالکی در برابر صدر را تضعیف خواهد کرد.

و در پایان، تلاشهای مالکی برای نزدیکی به صدر، از مسأله بسیار مهمی در مورد آینده «چارچوب هماهنگی» مورد حمایت ایران و وجود اختلافات جوهری در داخل چارچوب هماهنگی خبر می دهد که احتمال دارد در انتخابات پارلمانی آینده با انحلال چارچوب هماهنگی عراق شاهد تولد ائتلافهای شیعی تازه باشد. همچنین این تلاشها نشان می دهد که احتمالاً ایران در این مسأله دست دارد. البته افزایش محاسبات و منافع شخصی رهبران ائتلافها و شبه نظامیان مورد حمایت ایران در عراق نیز از دیگر عواملی است که می تواند زمینه های اختلاف و درگیری وسیع تری را فراهم کند و برخی از ائتلافها و گروههای شبه نظامی برای تحقق منافع و دستاوردهای خاص خود پا را از خطی که ایران برایشان ترسیم نموده، فراتر بگذارند. که این امر از یک سو به اختلافات و رقابتهای تازه ای میان ائتلافها و گروههای شبه نظامی مورد حمایت ایران منجر می شود اما از سویی دیگر فرصتهای تأثیر رویکرد حامی روند دولت در عراق را تقویت می کند.

